

The nature of emerging customary titles in marriage from a sociological point of view and its accord to sharia contracts

Ahmad Saremi^۱

Morteza Chitsazian^۲

Ali Bahraminejad^۳

Abstract

The confrontation between tradition and modernity is abundantly seen in various aspects of life in today's society, including emerging marriages.

Emerging marriages are marriages that have somehow departed from the specific customs and forms of the traditional world and given themselves a new nature.

In this article, I intend to study emerging marriages from the perspective of political sociology and sharia, using analytical and descriptive methods and citing library sources.

The result of the research is that emerging marriages, on the one hand, are the result of entering the modern world, which has also taken on a political form, and on the other hand, many of these marriages are in conflict with the sharia.

In order to resolve this conflict, it is necessary to act in a way that does not lead to modernity, which is in a way impossible, and the principles of Sharia are preserved; because the criteria considered by Sharia are in the interest of society.

Keywords: Tradition, modernity, emerging marriages, conflict and Sharia

^۱ PHD Student ,Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic law ,Faculty of Literature and Humanities ,Central Tehran Branch ,Islamic Azad University,Tehran,Iran,Saremiaahmad^۱@gmail.com

^۲ Assistant Professor,Department of Theology,Shahid Motahhari University,Tehran,iran(corresponding author),Morteza.chitsazian@yahoo.com

^۳ Assistant Professor,Department of Theology . Faculty of Literature and Humanities ,Central Tehran Branch ,Islamic Azad University,Tehran,Iran,Ali.b.nejad@gmail.com

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.260614.1375>

ماهیت عناوین نوظهور عرفی در نکاح از بعد جامعه‌شناختی و تطبیق آن با عقود شرعی

احمد صارمی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰

مرتضی چیت سزایان^۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳

علی بهرامی نژاد^۶

چکیده

تقابل سنت و مدرنیته در جنبه‌های مختلف زندگی جامعه امروزی به‌وفور دیده می‌شود و از آن جمله ازدواج‌های نوظهور است. ازدواج‌های نوظهور ازدواج‌هایی هستند که به‌نوعی از آداب و رسوم و شکل‌های خاص دنیای سنت خارج شده و ماهیت نوینی به خود داده است.

در این مقاله بر آن هستیم که با روش تحلیلی و توصیفی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای به بررسی ازدواج‌های نوظهور از بعد جامعه‌شناسی سیاسی و شرع پرداختیم. برآیند پژوهش این گونه است که ازدواج‌های نوظهور از یک‌طرف حاصل ورود به دنیای مدرنیته که به‌نوعی صیغه سیاسی نیز به خود گرفته است و از طرف دیگر بسیاری از این ازدواج‌ها با شرع تنافی و تعارض دارد.

برای حل این تعارض باید الگوهای رایج ازدواج را باید به‌گونه‌ای تغییر داد که نه پا به مدرنیته بزند که به‌نوعی امر نشدنی است و از طرفی بن‌مایه‌ها شرع حفظ شود؛ چراکه معیارهایی که شرع در نظر گرفته به نفع جامعه است. این الگوها عبارت‌اند از اینکه مقوم ازدواج که عبارت است از قصد نکاح برقرار باشد، لکن موارد خارج از این همچون از حیث دائم بودن یا موقت بودن، جعل شرط خیار و مواردی از این قبیل را به عرف و طرفین واگذار کنیم و نتیجه چنین رویکردی آزادی قراردادها در ضمن عقد است که باعث می‌شود میزان مسئولیت که دغدغه زوجین در دنیای فعلی است، مطابق خواستشان تغییر یابد.

کلیدواژه: نکاح، نوظهور، مدرنیته، سنت

^۴ دانشجوی مقطع دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران saremiaahmad@gmail.com

^۵ استادیار گروه الهیات، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران (نویسنده مسئول) morteza.chitsazian@yahoo.com

^۶ استادیار گروه الهیات، دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران Ali.nejad@gmail.com

مقدمه

گسترش بسترهای مراودات و ارتباطات و از سوی دیگر موانع و مشکلات نکاح دائم سبب ایجاد نکاح‌های نوظهور عرفی و غیرعادی از جمله نکاح عرفی، نکاح اتحاد مدنی، نکاح شرعی غیرقانونی، هم‌باشی، هم‌خانگی، ازدواج سفید، ازدواج کامن‌لا، شده است.

این گونه ازدواج‌ها ماحصل تقابل مدرنیته و سنت است، از یک طرف شرع برای نکاح تشریفات مخصوصی در نظر گرفته است و از طرف دیگر مدرنیته این تشریفات را به چالش کشیده است؛ بنابراین مقتضی است که اولاً نقطه نظرات شرع در مسئله ازدواج روشن شود و این ازدواج‌ها با این شرایط سنجیده شود تا بدین وسیله مشروع بودن و نامشروع بودن آن روشن شود و ثانیاً باتوجه به اینکه مدرنیته یک امر واقعی است و نمی‌توان با آن مقابل کرد، بنابراین شرایط مدرنیته نیز باید در نظر گرفت؛ چنین نگاهی به مسئله ازدواج می‌تواند بین سنت و مدرنیته تعامل ایجاد کند تا تعارض که منجر به طرد شدن یکی از این دو مقوله می‌شود.

در این مقاله ابتدا به بررسی ماهیت ازدواج‌های نوظهور پرداختیم، سپس به تحلیل تقابل سنت و مدرنیته در مورد ازدواج و در آخر به ارائه راهکارهای برای مقابله با این تقابل پرداختیم.

۱- ازدواج‌های نوظهور

۱-۱- ماهیت ازدواج‌های نوظهور

نگاهی هرچند اجمالی به مذاهب، ادیان و تمدن‌های گوناگون این مسئله را می‌کند که انسان‌ها برای انجام هر امر باارزشی و خطیری، سلسله‌ای از آداب و رسوم و قواعد را رعایت می‌کردند. انجام این آداب در بُعد اجتماعی به دلیل مقدس داشتن امور بزرگ و تعالی بخشیدن به موضوع خاص انجام می‌گرفت و در بُعد مذهبی و دینی، گذشته از بحث تعالی بخشی و تقدس، به‌عنوان تعهد یا میثاق نامه اطلاق می‌شد که فرد با پشت سر گذاشتن این مراحل، انجام مسئولیتی نو و تازه را می‌پذیرفته و رعایت مسائل جدید، مانند حقوق خاص را عهده‌دار می‌شد، با انجام این سلسله مراتب، مباحثی مانند مسئولیت‌پذیری، وفاداری به عهد، پایبندی به قانون، پذیرفتن نقشی خاص در زندگی و... موجودیت می‌یافت و در واقع افرادی برای تحقق این موارد با جان و دل تلاش می‌کردند. ازدواج نیز از این جمله مقوله‌هاست که تمامی جوامع گذشته و حال و تمامی ادیان و مذاهب برای انجام این امر بزرگ و مقدس قوانین و قواعدی را ترسیم کرده‌اند و رسوم و آدابی را طراحی نموده‌اند. باوجود این وضعیت در اقوام و مذاهب مختلف، دیده می‌شود که ازدواج‌های صورت گرفته است که خارج از این قواعد و آداب مرسوم میان اقوام و مذاهب است. این‌گونه ازدواج‌ها را ما ازدواج‌های نوظهور نامیدیم.

۱-۲- اقسام ازدواج‌های نوظهور

ازدواج‌های نوظهور دامنه وسیعی دارد، از جمله: ازدواج سفید، هم‌باشی، هم‌خانگی، ازدواج کامن‌لا، ازدواج عرفی، ازدواج مدنی.

۱- ازدواج سفید؛ اصطلاح ازدواج سفید دو کاربرد متفاوت دارد: الف) نو ب) کهن

الف) کاربرد نو:

نمونه فارسی زبان آن می‌باشد که «ازدواج سفید» و گاهی ازدواج سپید برای توصیف زندگی مشترک بدون ازدواج رسمی ست که نباید با نکاح عرفی یا ازدواج کامن لا اشتباه گرفته شود. در ایران دو تعریف متفاوت از این زندگی مشترک وجود دارد:

۱- گروهی می‌گویند مقصود از ازدواج سفید آن است که زوجین بدون عقد نکاح اقدام به ازدواج و تشکیل زندگی مشترک می‌کنند، اما منابع فارسی زبان آلمان زندگی مشترک بدون ازدواج یا ازدواج سفید را پیش‌زمینه‌ای برای بسیاری از ازدواج‌های رسمی مطرح می‌کنند، همچنین ازدواج‌های ادیان دیگر بدون عقد نکاح اسلامی است یا نکاح عرفی اسلامی بدون ثبت دولتی انجام می‌شود.

۲- گروهی دیگر در ایران آن را معادل هم‌باشی یا زندگی مشترک بدون ازدواج تعریف می‌کنند. البته نه تعریف گسترده‌تر آنکه به معنی هم‌زیستی است، بلکه تعریف محدود به زندگی مشترک زناشویی بدون ازدواج که طرفین همدیگر را همسر و متعهد به یکدیگر نمی‌دانند.

ب) کاربرد کهن:

ازدواج سفید در زبان فرانسه و انگلیسی می‌باشد که به معنی ازدواج بدون وصال یا ثبت شده و قانونی اما به دلایل مختلف حتماً بدون رابطه جنسی است.

۲- هم‌باشی یا زندگی مشترک بدون ازدواج؛ وضعیتی است که زن و مرد باهم زندگی می‌کنند و رابطه جنسی دارند و کارهای مربوط به خانواده بر دوش هر دو نفر است، ولی بسته به تعریف از نظر قانون، عرف یا شرع دارد که رابطه جنسی بدون ثبت پیوند ازدواج در نظر گرفته‌اند که زن و شوهر رسمی محسوب نمی‌شوند، برخی منابع هم‌باشی را به معنای ازدواج سفید گرفته و برقرار هم‌باشی نباید با دیگر اشکال قانونی و شرعی و عرفی زندگی مشترک بدون ثبت رسمی از جمله ازدواج حقوق مشترک، نکاح معاطات، نکاح عرفی، اتحاد مدنی اشتباه گرفته شده و در برخی منابع نیز هم‌باشی را به معنای ازدواج سفید و برقراری رابطه جنسی بدون ثبت پیوند ازدواج در نظر گرفته‌اند.

براساس تعریف دیگر: هم‌باشی موقعی که دو فرد مجرد از دو جنس متفاوت قبل از ازدواج باهم زندگی می‌کنند، اتفاق می‌افتد. این برای افرادی است که به تعهد اجتماعی و شخصی که ازدواج لازم دارد تمایل ندارند.

هم‌باشی نوعی از زندگی است که به زندگی زناشویی بدون ازدواج معروف است که در آن دختر و پسر بدون ازدواج رسمی باهم زندگی می‌کنند. این پدیده یک شیوه جایگزین برای ازدواج است که در غرب با عنوان زندگی زناشویی بدون ازدواج نیز شناخته شده است و در بیشتر کشورهای اروپایی و آمریکایی رواج دارد. بدین صورت که رابطه دختر و پسر بدون هیچ توافق مشخص و رسمی صورت می‌پذیرد.

و محترمی است و دلیل بر اینکه ازدواج امر مقدس و محترم وجود آداب و رسوم است. آنچه که در این ازدواج ملاک است، ارضای جنسی است و دیگری چیزی به نام تعهد وجود ندارد (طاهرزاده، ۱۳۸۸، ۲۳۱).

آموزه‌های فمینیستی؛ این آموزه‌ها از عوامل گسترش ازدواج سفید است؛ چراکه مطابق این آموزه‌ها تشکیل خانواده شبیه برده‌برداری است و آن را برده‌داری قانونی می‌داند. این فمینیست‌ها قائل هستند آسان‌ترین راه برای عبور از این برده‌گی، آزادی است. مطابق این شیوه زن و مرد باید آزاد باشند و هیچ تعهدی نسبت به یکدیگر نداشته باشند، فقط صرفاً باهم‌دیگر باشند (چراغجویی، ۱۳۹۳، ۸۱).

گسترش روابط دختر و پسر؛ افزایش روابط دختر و پسر، خصوصاً فضای مجازی باعث شده که آزادی جنسی توسعه پیدا کنند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱، ۶۳).

مشکلات مالی و اقتصادی؛ افزایش نوسانات اخیر اقتصادی منجر به افزایش هزینه زندگی شده و به تبع موجب افزایش فقر شده است. شاهد بر این مسئله افزایش هزینه زندگی در ایران است. کثیری از مردم در مضیقه قرار گرفتند. این افزایش هزینه‌ها باعث شده که بسیاری از جوانان از ازدواج کردن ناامید می‌شوند، به‌ناچار به ازدواج‌های از این قبیل تن می‌دهند. این افزایش هزینه‌های زندگی به‌گونه‌ای است که بسیاری از مردم از طریق همین ازدواج‌ها امرار معاش می‌کنند (معیدفر، ۱۳۹۳، ۴۲).

رسانه و اینترنت؛ گسترش اینترنت و فضای مجازی باعث شده که ضوابط حاکم میان افراد مختل شده است؛ گرچه دنیای مجازی اثرات مثبت دارد و نمی‌توان این اثرات را نادیده گرفت و حتی دنیا امروزی را نمی‌توان بدون آن تصور کرد و بدون اینترنت عملکرد جهانی مختل شده است، برای کنترل رفتارهای ازهم‌گسیخته این دنیای مجازی هم‌فکری و مقررات مؤثر وجود ندارد. بخشی از این هم‌گسیختگی به‌خاطر تعارض فرهنگ و آداب و رسوم کشورها است و بخشی از آن به‌خاطر مسائل دیگر از جمله مسائل سیاسی است (آزاد برمکی، ۱۳۹۱، ص ۴۲).

تغییر فرهنگ و آداب و رسوم؛ بدین ترتیب که در دنیای امروزی دختران و پسران روابط بسیاری دارند؛ به‌گونه‌ای که این روابط به این وسعتی دیگر عادی گردیده و قبح آن شکسته است. این مسئله به‌گونه‌ای است که حتی دختر و پسر برای ازدواج، پیشنهاد هم‌باشی برای مدتی می‌دهند تا در صورت شناخت و تفاهم مقدمه‌ای برای ازدواج باشد.

۲-۲- پیامدهای ازدواج‌های نوظهور از بعد جامعه‌شناسی

عواملی که گفته شد اهم عوامل گسترش این گونه ازدواج‌ها است. این نوع ازدواج‌ها دارای آثار و پیامدهای منفی در سطح فردی و اجتماعی است. از آن جمله:

۱- بی‌شک یکی از مظاهر انسان، عواطف و احساسات است. عواطف و احساسات بخشی مهم از زندگی انسان را تشکیل می‌دهد و از فطریات آدمی به حساب می‌آید و به‌نوعی در تعالی و تربیت انسان بسیار مهم است. یکی از اهداف ازدواج هم حفظ آرامش و امنیت روحی برای افراد است. خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود.»

گسترش این نوع ازدواج‌ها امنیت روانی و آرامشی که زوجین نسبت به یکدیگر دارند از بین می‌برد؛ چراکه در این نوع ازدواج تعهد و مسئولیت‌پذیری وجود ندارد، بلکه اتفاقاً زوجین در اضطراب و نگرانی هستند که این رابطه تمام خواهد شد و رابطه‌ای نیست که پایدار باشد (سمیعی، ۱۳۹۳، ۵۸).

۲- بی‌مسئولیتی؛ یکی از آثاری که ازدواج به ارمغان دارد، حس مسئولیت زوجین نسبت به هم‌دیگر است و حس مسئولیت به‌گونه‌ای است که زوجین در همه مراحل زندگی‌شان و در تمام سختی‌ها و گرفتاری‌ها کنار هم قرار می‌گیرند. حال آنکه در ازدواج‌های سفید چنین احساس مسئولیتی وجود ندارد و اتفاقاً در صورت بروز مشکلات و گرفتارها عقب‌نشینی می‌کند (بستان، ۱۳۹۲، ۱۳۷).

۳- فروپاشیدن نهاد خانواده؛ نهاد خانواده اولین نهاد اجتماعی است. افراد جامعه ابتدا با خانواده آشنا می‌شوند و آداب و رسوم را از خانواده می‌آموزند. به‌واقع نهاد خانواده مقدمه ورود افراد به جامعه است؛ لذا اهمیت فراوانی دارد. ازدواج‌ها نوظهور در واقع به‌نوعی این نهاد را نشانه گرفته‌اند و منجر به تضعیف جایگاه خانواده می‌شود؛ چراکه نهاد خانواده مبتنی بر پایداری و استواری است، حال آنکه در ازدواج‌های نوظهور چنین تداومی وجود ندارد (سمیعی، ۱۳۹۳، ۶۱).

۴- افزایش فرزندان نامشروع؛ از آن جهت که ضوابط دینی و اخلاقی در این نوع ازدواج‌ها رعایت نمی‌شود؛ در نتیجه منجر به روابط نامشروع و در نتیجه افزایش فرزندان نامشروع می‌شود و به‌نوعی منجر به اختلاط نسل می‌شود.

۵- کاهش جمعیت؛ یکی از عوامل کاهش جمعیت، افزایش ازدواج سفید است؛ چراکه در این نوع ازدواج زوجین در پی تشکیل خانواده به معنای مصطلح و فرزندآوری نیستند (هاجری، ۱۳۸۲، ۵۴).

۳- تحلیل فقهی ازدواج‌های نوظهور

ازدواج‌های نوظهور از دو حالت خارج نیستند: گاهی صرفاً دو نفر باهم‌دیگر زندگی می‌کنند بدون اینکه به قصد ازدواج داشته باشند، مثل هم‌باشی و هم‌خانگی، گاهی قصد ازدواج دارند لکن تشریفات ازدواج مرسوم را رعایت نمی‌کند. قسم اخیر از دو حال خارج نیست: یا عقد نکاح خوانده می‌شود، لکن ثبت قانونی نمی‌شود یا اینکه شرایط صیغه عقد رعایت نمی‌شود، مانند اینکه با معاطات باهم ازدواج می‌کنند.

تحلیل فقهی ازدواج‌های نوظهور مقتضی است که حالات مذکور مستقلاً بررسی شود.

۱- حالتی که در آن اصلاً قصد ازدواج وجود ندارد

این قسم نیاز به بررسی ندارد، چراکه در این بخش اصلاً دو نفر قصد ازدواج ندارند؛ بنابراین چون قصد ازدواج ندارند، لاجرم اعمالی همچون رابطه جنسی حرام است.

۲- حالتی که در آن قصد ازدواج وجود دارد و شرایط جریان صیغه رعایت شده است، لکن ثبت قانونی نشده است.

این نوع ازدواج نیز منع شرعی ندارد، باین‌وجود قانون‌گذار عدم ثبت ازدواج را جرم‌انگاری کرده است. برای نخستین بار به‌موجب قانون راجع به ازدواج، ثبت کردن ازدواج دائم توسط مردان الزامی گردید و مرد موظف

شده بود تا در صورت ازدواج دائم با زنی، در طی مهلت ثبت ازدواج یعنی بیست روز، اقدام به ثبت نکاح دائم کند.

پس از آن نیز قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ ضمن ماده ۶۴۵ عدم ثبت ازدواج یا نکاح دائم را جرم- انگاری کرد و به موجب این ماده نیز شوهر موظف به ثبت کردن عقد نکاح دائمی شده بود و در صورت عدم ثبت این ازدواج، زن می توانست از او به جرم عدم ثبت نکاح شکایت بکند. طبق ماده مذکور: به منظور حفظ کیان خانواده ثبت واقعه ازدواج دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است. چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید، به مجازات حبس تعزیری تا یک سال محکوم می گردد». لذا علاوه بر پیش بینی مجازات برای عدم ثبت واقعه نکاح، ثبت طلاق نیز الزامی خواهد بود.

پس از اینکه قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۹۱ به تصویب رسید، نظر به حفظ کیان و بقای خانواده و حمایت از آن، ضمن ماده ۴۹ عدم ثبت ازدواج دائم توسط مرد جرم انگاری شده و برای آن مجازات نیز مقرر شد. همچنین بر اساس این ماده از قانون حمایت از خانواده، ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی نیز در خصوص ثبت ازدواج دائم نسخ گردیده است. بر اساس ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده که مجازات جرم ثبت نکردن عقد نکاح را مقرر داشته است:

«چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام؛ یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری؛ یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه؛ به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می شود».

۳- حالتی که در آن قصد ازدواج وجود دارد ولی شرایط جریان صیغه رعایت نشده است.

در فقه این قسم از نکاح را تحت عنوان معاطات بحث می کنند. نکاح معاطاتی نیز موافقان و مخالفانی دارد:

ادله موافقان

۱- مهم ترین دلیل شرعی ای که می توان در جهت اثبات صحت نکاح معاطاتی به آن استدلال کرد آیه ۱ سوره مائده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای کسانی که ایمان آوردید به عقود خود وفا کنید».

کیفیت استدلال به آیه بدین طریق است که کلمه «العقود» جمع محلی به الف و لام است و هر نوع قراردادی که عنوان «عقد» بر آن صادق باشد را شامل می شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۵، ۱۵۸). با این توضیح دانسته می شود هر نوع عقدی «لازم الوفاء» است؛ مگر آنکه رادع و مانعی از جانب شارع مقدس وجود داشته باشد (فاضل جواد، بی تا، ۳، ۸۷).

۲- یکی از دلایلی که می تواند در جهت اثبات صحت نکاح معاطاتی مورد اشاره قرار بگیرد روایاتی است که به نوعی بر صحت نوع نکاح دلالت دارد، از جمله: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى عُمَرَ فَقَالَتْ: إِنِّي زَنَيْتُ فَطَهَّرْنِي فَأَمَرَ بِهَا أَنْ تُرْجَمَ فَأَخْبِرَ بِذَلِكَ أُمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فَقَالَ كَيْفَ زَنَيْتِ فَقَالَتْ: مَرَرْتُ بِالْبَادِيَةِ فَأَصَابَنِي عَطَشٌ شَدِيدٌ

فَأَسْتَسْقِيْتُ أُعْرَابِيًّا فَأَبَى أَنْ يَسْتَقِينِي إِلَّا أَنْ أُمَكِّنَهُ مِنْ نَفْسِي فَلَمَّا أَجْهَدَنِي الْعَطَشُ وَ خِفْتُ عَلَى نَفْسِي سَقَانِي فَأَمَكَّنْتُهُ مِنْ نَفْسِي فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) تَزْوِيجٌ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ « (کلینی، ۱۴۰۷، ۵، ۴۶۷)».

ادله مخالفان:

۱- لزوم انشاء عقد نکاح با لفظ؛ برای اثبات لزوم انشاء عقد نکاح با صیغه لفظی به روایاتی تمسک کرده‌اند از جمله: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ بُرَيْدِ الْعِجْلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَخَذَنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا قَالَ الْمِيثَاقُ هِيَ الْكَلِمَةُ الَّتِي عُقِدَ بِهَا النِّكَاحُ وَ أَمَا قَوْلُهُ غَلِيظًا فَهُوَ هَاءُ الرَّجُلِ يُفْضِيهِ إِلَى إِمْرَاتِهِ.

روایت در ارتباط با آیه ۲۱ سوره نساء وارد شده است. این آیه در خصوص رعایت عدالت و عطوفت هنگام طلاق دادن همسر است. در پایان آیه به این نکته اشاره شده است. همسران شما از شما «میثاق غلیظ» گرفته‌اند. در روایت فوق‌الذکر راوی از معنای میثاق غلیظ از امام محمدباقر(ع) سؤال کرده است. حضرت کلمه میثاق را به‌عنوان کلمه‌ای که به‌وسیله آن عقد نکاح محقق می‌شود معنا فرموده‌اند و از نظر محقق خوبی این روایت به‌وضوح بر اعتبار انشاء لفظی عقد نکاح دلالت دارد و از مفهوم آن چنین برداشت می‌شود که صرف اراده و رضایت باطنی برای انعقاد عقد نکاح کفایت نمی‌کند. (کلینی، ۵، ۵۶۰).

۲- اجماع؛ مهم‌ترین دلیلی که لزوم انشاء لفظی در عقد نکاح و عدم کفایت انشاء فعلی را اثبات می‌کند اجماع و تسلّم بین المسلمین در این موضوع است (بحرانی، ۱۴۰۵، ۲۳، ۱۵۶).

۳- تلازم نکاح معاطاتی با زنا؛ برخی از فقها چنین استدلال کرده‌اند که نکاح معاطاتی عین زناست و فرقی میان این دو نیست (امام خمینی، ۱۴۰۹، ۱، ۲۶۷).

از جمله کسانی که این دلیل را مورد نقادی قرار داده‌اند، حضرت امام (ره) است. ایشان در نقد گفته‌اند: در نزد عرف زنا غیر از ازدواج است، خواه نکاح با قول باشد یا به فعل؛ چراکه وقتی دو زوج باهمدیگر صحبت می‌کنند و قصد ازدواج دارند و زوجه به خانه شوهر برود، عرف این را زنا نمی‌داند. بلکه اگر قصدشان این است که با عمل وطی این کار را انجام بدهند، در این صورت زناست و فعل حرامی است، باین‌وجود مانعی وجود ندارد نکاح بر آن بار شود؛ چراکه سبب حرام نیز می‌تواند وضعاً مؤثر واقع شود (امام خمینی، ۱۴۰۹، ۱، ۲۶۸).

فقهای اهل سنت نیز با استناد به سه دلیل از قبول صحت معاطاتی امتناع کرده‌اند.

۱- همانند فقهای شیعه، فقهای اهل سنت نیز بر لزوم استفاده از الفاظی که صراحت در ابراز اراده متعاقدين داشته باشد تأکید دارند (سید، ۱۴۰۳، ۲، ۳۳).

۲- یکی دیگر از دلایل لزوم انشاء لفظی این است که فقهای عامه حضور شاهد حین عقد نکاح را لازم می‌شمارند. اهمیت حضور شهود به حدی است که برخی آن را یکی از ارکان عقد نکاح و در مرتبه ایجاب و قبول برشمرده‌اند (هیتمی، ۱۳۵۷، ۷، ۲۱۷).

۳- یکی دیگر از دلایل لزوم انشاء عقد نکاح با الفاظ مخصوص، قرار گرفتن عقد نکاح در شمار عبادات است. بر همین اساس، الفاظی که عقد نکاح به واسطه آنها منعقد می‌شود باید از جانب شارع معین شوند. نظیر این دلیل در آثار فقهای امامیه موجود بود. لَأَنَّ النِّكَاحَ يَنْزَعُ إِلَى الْعِبَادَاتِ لَوْ رُوِيَ النَّدْبُ فِيهِ وَالْأَذْكَارُ فِي الْعِبَادَاتِ تُتَلَفَى مِنَ الشَّرْعِ، وَالشَّرْعُ إِنَّمَا وَرَدَ بِلَفْظِ التَّرْوِيجِ وَالْإِنِّكَاحِ (شربینی، ۱۴۱۵، ۴، ۲۲۹).

۴- تقابل سنت و مدرنیته در ازدواج

۴-۱- تقریر محل تقابل

ازدواج مثل پدیده اجتماعی دارای هنجارهایی است. در کشورها هم ویژگی‌های خاص خود را دارد. با گذر از سنت به مدرنیته تغییرات اجتماعی وسیعی در همسرگزینی ایجاد شده است. ازدواج یکی از مهمترین حوزه‌های جامعه‌شناسی است که اخیراً با عناوین نو ظهور آن رنگ سیاسی هم به خود گرفته است. ازدواج نهاد اجتماعی فراگیری است که با الگوهای مختلف در فرهنگ‌های گوناگون وجود دارد. پیوندهای خویشاوندی ارتباطی است که از طریق ازدواج فراهم می‌شود که به دنبال آن روابط خانوادگی به وجود می‌آید.

به‌واقع ازدواج در دنیای امروزی در کش‌وقوس سنت و مدرنیته است. هرکدام از سنت و مدرنیته در مسئله در تعارض و تنافی آشکار هستند، از جمله در موارد ذیل:

۱- انتخاب همسر؛ در دنیای سنت، غالباً دختران و پسران نقش آن‌چنانی در پیوندشان نداشته‌اند، بیشتر مبتنی بر دیدگاه خانواده است و این خانواده است تعیین می‌کنند که پسر با کدام دختر ازدواج کند و دختر با کدام پسر ازدواج کند.

۲- توقعات زوجین؛ در دنیای سنت بیشتر مشکلات را زوجین تحمل می‌کردند و به‌گونه‌ای بود که این مشکلات بنیان خانواده را تهدید نمی‌کرد و همچنین توقعات بسیار کم بود و به کمترین قانع می‌شدند، در حالی که در دنیای امروز این توقعات به‌قدری زیاد شده که در صورت حل نکردن ممکن است بنیان خانواده را سست کند.

۳- گذر از مردسالاری به دنیای تعامل دوطرفه؛ در دنیای سنتی، خانواده‌های به‌گونه‌ای بود که مردسالاری حاکم بود و هر آنچه مرد می‌گفت، بدان اکتفا می‌شود و زن اعتراضی نمی‌کرد و در صورت اعتراض نیز حرف مرد بر کرسی می‌نشست، حال آنکه در دنیای مدرنیته چنین نیست و این گونه نیست که در محیط خانواده مرد حرف اول و آخر را بزند، بلکه زن نیز نقش مهم و حیاتی دارد.

مواردی که گفته شد، مربوط به خصوصیت و ویژگی‌ها بود ولی گاهی این تعارض و تنافی دنیای مدرنیته و سنتی به خصوصیات و ویژگی‌ها اکتفا نمی‌شود بلکه حتی به لحاظ ماهوی نیز دچار تغییر و تحول و دگرگونی می‌شود، از این جمله موارد ماهوی تغییر ماهیت ازدواج‌ها در دنیای مدرنیته است. در دنیای سنتی ازدواج‌ها دارای آداب و رسوم خاصی بود؛ به‌گونه‌ای که نبود این آداب و رسوم در صدق عرفی ازدواج بر آن عرف اشکال می‌کرد و از نظر عرف پسندیده و حتی مقبول نبود. با این وجود، در دنیای مدرنیته، ازدواج‌های شکل‌گرفته که این آداب و رسوم و سنت‌ها معمول را نادیده می‌گیرد و حتی براساس معیارهای دنیای سنتی

اطلاق ازدواج بر آن‌ها محل اشکال هست. به‌رروی دنیای مدرنیته این عناوین نوظهور را به‌عنوان شکلی از ازدواج به رسمیت شناخته است؛ از جمله ازدواج عرفی، ازدواج سفید، ازدواج مدنی، میسار و نکاح معاطاتی و ازدواج شرعی غیرقانونی.

۴-۲- راهکارهای حل تقابل سنت و مدرنیته در ازدواج

گفته شد که دنیای مدرنیته ازدواج‌های نوظهور را به ارمغان آورده است و از طرف دیگر شرع نیز این ازدواج‌های نوظهور را نپذیرفته است، سؤالی که پیش می‌آید که چگونه می‌توان میان دنیای مدرنیته و شرع به‌عنوان یکی از مظاهر سنت، آشتی و صلح ایجاد کرد. در برخورد با این تقابل سه احتمال می‌توان کرد:

احتمال اول: اینکه سنت را کنار بزاریم، مطلقاً با مدرنیته سازگاری پیدا کنیم. هر آنچه مدرنیته به ارمغان می‌آورد با آغوش باز آن را بپذیریم.

این احتمال، یک احتمال افراطی است؛ چراکه ارمغان مدرنیته همیشه مثبت نیست، کما اینکه ازدواج‌های نوظهور پیامدهای منفی به ارمغان می‌آورد که نمی‌توان به‌سادگی از آن گذشت.

احتمال دوم: مدرنیته را طرد کنیم و صرفاً سنت را مدنظر قرار دهیم. حق آن است که این احتمال نیز مردود است؛ چراکه سنت یک امر سیالی است و نمی‌توان با آن مقابله کرد.

احتمال سوم: بین مدرنیته و سنت تعامل ایجاد کنیم. این احتمال نگاه متعادل به تقابل سنت و مدرنیته است؛ چراکه از یک طرف ازدواج‌های نوظهور تحفه دنیای مدرنیته است؛ گرچه عواملی متعددی وجود دارد و لکن در هر صورت ماحصل مدرنیته است و از طرف دیگر این ازدواج‌ها پیامدها ناگواری دارد که به‌نوعی نمی‌توان آن را نادیده کرد و از طرفی نفی مدرنیته نتیجه‌ای دربرنخواهد داشت، بنابراین باید دنبال راه‌حلی بود که میان این دو امر توازن و تعادل ایجاد کند.

راهکارهای متعددی می‌توان ارائه داد:

الف) فرهنگ‌سازی نکاح موقت

میان فقهای شیعه و اهل سنت در جواز موقت اختلاف نظر وجود دارد. فقهای شیعه قائل بر جواز متعه هستند ولی فقهای اهل سنت قائل به حرمت آن هستند و هرکدام دلایل و مستندات قرآنی، روایی دارند.

شیعه برای جواز به ادله ذیل استناد کرد:

۱- استدلال به آیه شریفه: (فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَلَأْتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً) (نساء/۲۴)؛ «از زنانی که تمتع می‌برید و متعه می‌کنید اجور آنها را بدهید». وجه استدلال بدین گونه که وقتی به کلمات اصحاب مراجعه کنیم می‌بینیم که استمتاع حقیقت شرعیّه برای نکاح موقت است و روایات کثیری در صحاح اهل سنت و غیر آن وجود دارد که متعه را به معنای عقد موقت دانسته‌اند عبدالله بن عباس، اَبی بن کعب، عبدالله بن مسعود،

جابر بن عبدالله، ابو سعید خدری، سعید بن جبیر، مجاهد، سدی، قتاده از جمله افرادی اند که در ذیل آیه یاد شده، آن را صریح در حکم ازدواج متعه بر شمرده اند (قرطبی، ۱۴۰۵، ۵، ۴۴۹).

قرطبی، شوکانی و دیگران می نویسند:

«و قال الجمهور: إن المراد بهذه الآية نكاح المتعه الذي كان في صدر الاسلام و يؤيد ذلك قرائة أبي بن كعب و ابن عباس و سعید بن جبیر (قرطبی، ۱۴۰۵، ۵، ۴۴۹). یعنی جمهور (اهل سنت) گفته اند: مراد از این آیه «آیه ۲۴ سوره نساء» ازدواج متعه است که در صدر اسلام وجود داشت. این گفته جمهور را قرائت ابی بن کعب و ابن عباس و سعید بن جبیر تأیید می کند.»

۲- استدلال به روایات؛ فقهای شیعه همچنین به روایات متعددی نیز جهت حلیت نکاح استدلال کرده اند، از جمله «... عن زراره قال: جاء عبد الله بن عمر «عمیر الیثی الی ابی جعفر (ع) فقال: ما تقول فی متعه النساء؟ فقال: أحلها الله فی کتابه و علی سنه نبیه فهی حلال الی یوم القیامه فقال: یا أبا جعفر مثلک یقول هذا و قد حرّمها عمر و نهی عنها فقال: و إن کان فعل فقال: فأئی اعیذک بالله من ذلك أن تحل شیئاً حرّمه عمر فقال له: فأنت علی قول صاحبک و أنا علی قول رسول الله (ص) فهلّم الاعنک أن الحقّ ما قال رسول الله (ص) و أنّ الباطل ما قال صاحبک...» (قرطبی، ۱۴۰۵، ۵، ۴۴۹).

اهل سنت نیز برای حرمت به ادله قرآنی و روایی استناد کرده اند:

۱- استدلال به آیات شریفه: (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ) و (وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ)؛ «به تحقیق مومنان رستگار شدند، آن که شرمگاه خود را نگه می دارند جز بر همسران یا کنیزان خویش که در نزدیکی با آنان مورد ملامت قرار نمی گیرند.» اهل سنت بر این عقیده هستند که این آیه ناسخ آیه ۲۴ سوره نساء می باشد (ابن خلکان، ۱۲۷۷، ۱۴۹).

استدلال به روایات؛ اهل سنت برای حرمت نکاح به ادله روایی نیز استناد کرده اند، از جمله این روایات روایتی است که در صحیح مسلم از حضرت علی (ع) نقل شده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) نَهَىٰ عَنِ مَتْعَةِ النِّسَاءِ يَوْمَ خَيْبَرَ.» (نیشابوری، بی تا، ۴، ۱۳۴).

ب) توسعه آزادی قراردادها در ضمن نکاح

یکی دیگر از راه های که می توان در جهت تعامل سنت و مدرنیته می توان مطرح کرد این است که قائل به اعتبار قراردادهای خصوصی میان زوجین شویم. به عبارت دیگر تا جایی که ممکن است اصل بر صحت قراردادهای خصوصی میان زوجین شود.

در فقه اسلامی و حقوق این مبحث ضمن جعل شروط در ضمن نکاح آمده است. مصادیق متعددی نیز وجود دارد، از جمله: شرط خیار، داشتن حق طلاق، داشتن حق حضانت و غیره.

هرکدام از شروط مذکور معرکه آرای فقها شده است و نظر واحدی وجود ندارد. به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که ازدواج‌های نوظهور توسعه پیدا کرده است، توسعه و آزادی مسئولیت‌های خودشان است، لذا با پذیرش اصل صحت قراردادها خصوصاً برخی شروط رایج (شروط مذکور) می‌توان جلوی این گونه ازدواج‌ها را گرفت.

نتیجه‌گیری

۱- ازدواج از مقوله‌های است که تمامی جوامع گذشته و حال و تمامی ادیان و مذاهب برای انجام این امر بزرگ و مقدس قوانین و قواعدی را ترسیم کرده‌اند و رسوم و آدابی را طراحی نموده‌اند. باوجود این وضعیت در اقوام و مذاهب مختلف، دیده می‌شود که ازدواج‌های صورت گرفته است که خارج از این قواعد و آداب مرسوم میان اقوام و مذاهب است. این گونه ازدواج‌ها را ما ازدواج‌های نوظهور نامیدیم.

۲- فرمول شرع برای تجویز یک نکاح را می‌توان به این شکل خلاصه کرد: زوجین گاهی قصد ازدواج دارند و گاهی قصد ازدواج ندارند و صرفاً باهم بودن است. در صورتی که قصد ازدواج نداشته باشند، دیگر ازدواج صدق نمی‌کند، در نتیجه روابط میان آن دو نامشروع است. اگر قصد ازدواج داشته باشند، گاهی به صرف رضایت اکتفا می‌شود بدون اینکه فعل یا قولی دال بر این رضایت ابراز کنند و به عبارت دیگر صرفاً در قلبشان نیت ازدواج دارند و گاهی به صرف رضایت اکتفا نمی‌شود، بلکه همراه با مبرز است و این مبرز گاهی با فعل است و گاهی با قول است و قول نیز گاهی با الفاظ خاصی انجام می‌شود و گاهی با هر لفظ می‌شود و همچنین در صورتی که همراه با مبرز باشد. در صورتی که به صرف رضایت اکتفا شود به اتفاق فقها این ازدواج منعقد نمی‌شود و در نتیجه روابط آنها نامشروع است. در صورتی که توأم با مبرز باشد و مبرز نیز فعل باشد، بدان معاطاتی گفته می‌شود و در صحت آن میان فقها اختلاف نظر وجود دارد و در صورتی که مبرز همراه با قول باشد و همراه با الفاظ خاصی باشد آن عقد به اتفاق بدون هیچ اختلافی صحیح است ولی اگر به الفاظ مخصوصی صورت نگیرد میان فقها اختلاف است. به نظر می‌رسد باید اختلاف نظر فقها را به رسمیت بشناسیم، لذا قولی که منعطف و در جهت مدرنیته است، اختیار کرد و آن قول عبارت است از قصد ازدواج، خواه مبرز فعل باشد یا قول.

۳- برای حل تقابل میان سنت و مدرنیته باید الگوهای رایج ازدواج را باید به گونه‌ای تغییر داد که نه پا به مدرنیته بزند که به نوعی امر نشدنی است و از طرفی بن‌مایه‌ها شرع حفظ شود؛ چراکه معیارهای که شرع در نظر گرفته به نفع جامعه است. این الگوها عبارت است از اینکه مقوم ازدواج که عبارت است از قصد نکاح برقرار باشد، خواه مبرز قولی باشد یا فعل، لکن موارد خارج از این همچون از حیث دائم بودن یا موقت بودن، جعل شرط خیار و مواردی از این قبیل را به عرف و طرفین واگذار کنیم و نتیجه چنین رویکردی

آزادی قراردادها در ضمن عقد است که باعث می‌شود مسئله میزان مسئولیت که دغدغه زوجین در دنیای فعلی است، تغییر داد. و تفریط گرفته شود.

۴- آزادی قراردادها در ضمن نکاح را باید توسعه داد و بدان جنبه حقوقی و قانونی داد تا بدین شیوه جلوی افراط و تفریط گرفته شود. این امر سبب می‌شود که آثار مثبت ازدواج دینی و شرع باقی بماند و از طرف دیگر پا به دنیای مدرنیته زده نمی‌شود؛ بدین ترتیب میان دنیای سنت و دنیای مدرنیته آشتی ایجاد می‌شود و آثار و برکات هر دو باقی خواهد ماند. راه‌های مذکور وقتی که پذیرفته شد و جنبه قانونی و حقوقی گرفت باید با سایر موارد نوظهور را غیر قانونی تلقی کرد و آن را جرم‌انگاری کرد. این جرم‌انگاری نیز لزوماً این گونه نیست که مجازات کیفری در نظر گرفت، بلکه همچون مجازات‌های انتظامی که برای برخی از اصناف در نظر گرفته‌اند، می‌توان محرومیت‌های اجتماعی یا سیاسی و یا فرهنگی ایجاد کرد.

فهرست منابع

ابراهیم آنس و دیگران، المعجم الوسیط، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۷۲، ق چاپ دوم

ابن بابویه قمی، محمد بن علی، علل الشرایع، قم، موسسه دارالحججه للثقافه، ۱۳۸۰ ش، چاپ اول

ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا

ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، المحلی، بیروت، مکتب التجاری، بی تا

ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، تهران، اسلامی، ۱۴۱۷ ق

ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الاعیان و ابناء الزمان، قاهره، بولاق، ۱۲۷۷ ق

ابن سلیم، عرفان، نکاح المسیار و احکام الانکحه المحرمه، بیروت، المکتبه العصریه، بی تا.

ابن قدامه، موفق الدین ابی محمد عبدالله، المغنی، بیجا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ ق

ابن هشام، عبدالملک، سیره ابن هشام، بیروت، دار المعرفه، بی تا.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۷ م.

ابوزهره، محمد، اصول الفقه، قاهره دار الفکر العربی، ۱۹۵۷ م.

الاسمر، حلمی، زواج المسیار هـ ل یحـ ل مشـ کله العنوسه،

اشقر، اسامه عمر سليمان، مستجدات فقهيه فى قضايا الزواج و الطلاق، اردن، دارالنفائس، چاپ اول، ١٤٢٠ ق.

امينى نجفى، عبدالحسين، الغدير، تهران، كتابخانه بزرگ اسلامى، ١٣٦٨ ش

الأنصارى قرطبي، ابو عبدالله محمد بن احمد، تفسير القرطبي (الجامع لأحكام القرآن)، بيروت دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٥ ق

آل كاشف الغطاء، محمد حسين، اصل الشيعه و اصولها، چاپ عرفان، صيدا

بحرالعلوم، محمد، الاجتهاد اصوله و احكامه، بى جا، بى تا

بحرانى، يوسف، الحدائق الناضره فى احكام العتره الطاهره، قم، موسسه النشر الاسلامى

بخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل، صحيح بخارى، بمبئى، ١٢٧٠ ق

بريدى، عبدالله، زواج المسيار نمط قديم فى التاريخ الاسلامى، www.alwatan

ترمذى، محمد بن عيسى، سنن ترمذى، مصر، دار ابن كثير، بى تا

تميمى، احمد، نكاح المسيار، هلند، مجله الاسره، ١٩٩٧ م/ ١٤١٨ ق

جرجانى، محمد بن على، كتاب التعريفات، تهران، ناصر خسرو، ١٣٧٠ ش

جزيرى، عبدالرحمن، الفقه على المذاهب الاربعه، بيروت، دارالثقلين، ١٤١٩ ق. چاپ اول

جوهرى، اسماعيل بن حماد؛ صحاح اللغه، محقق احمد عبدالغفور عطار، بيروت، دارالعلم

للملايين، بى تا

حر عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه، مصحح عبدالرحيم ربانى

شيرازى، بيروت، داراحياء التراث العربى، بى تا.

حصكفى، علاءالدين، حاشيه ابن عابدين، قاهره، مطبعه البابى الحلبي، ١٣٦٨ ق، چاپ دوم

حكيم، محمد تقى، الاصول العامه، قم، موسسه آل البيت، ١٣٥٨ ش

خلاف، عبدالوهاب، علم اصولي الفقه و خلاصه التشريع الاسلامي، قم، دفتر تبليغات

خميني، روح الله، الرسائل، قم، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره)، ١٣٧٨ ش

ذهبي، شمس الدين، المغني، الذهبي، بي جا، بي تا

راغب اصفهاني، ابوالقاسم، المفردات في غريب القرآن، تهران، المكتبه المرتضويه، ١٣٦٢ ش

راغب اصفهاني، حسين بن محمد، المحاضرات الأدب، و محاورات الشعراء والبلغاء، بيروت، شركه

دار الارقم بن ابي الارقم، ١٤٢٠ ق

رافعي، مصطفى، اسلامنا في التوفيق بين السنّته والشيعة، بيروت، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات،

١٩٨٤ م / ١٤٠٤ ق

رضا، محمد رشيد، السنه و الشيعة، بي جا، بي نا، بي تا

.....، تفسير المنار، بيروت، دارالفكر، بي تا

زحيلي، وهبه، قضايا الفقه و الفكر المعاصر، دمشق، دارالفكر، ١٤٢٨ ق

.....، الوجيز في اصل الفقه، تهران، نشر احسان، ١٣٨٨ ش

سبحاني تبريزي، جعفر، مصادر الفقه الاسلامي و منابعه، قم، مؤسسه الامام الصادق، بي تا

سيوطي، عبدالرحمن بن ابي بكر، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، قم، كتابخانه حضرت آيت الله

العظمي مرعشي نجفي (ر.ع)، ١٣٦٢ ش

شاطبي، ابراهيم، الموافقات، بيروت، دارالكتب العلميه، بي تا

شعراني، ابوالحسن، شرح تجريد، بي جا، بي تا

شعراوي، محمد فتولي، احكام الاسره و البيت المسلم، بيروت، المكتبه العصريه، ١٤٢٢ ق.

الشيخ عبدالباري، عبدالمجيد، فتح الباري، رياض، وقف السلام خيرى، ١٤٢٦ ق

صادقي تهران، محمد، الفرقان في تفسير القرآن و السنه، قم، اسماعيليان، ١٤١٨ ق

صدر، محمد باقر، بحوث فی علم الاصول، قم، موسسه دایره معارف الفقه الاسلامیه، بی تا

طباطبایی، علی بن محمد علی، ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل، قم، موسسه النشر

الاسلامی

طریحی؛ فخرالدین بن محمد، تفسیر القرآن الکریم، قم، زاهدی، بی تا

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه

علمیه قم، ۱۴۰۷ ق، چاپ اول

.....، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ش

.....، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه

علمیه قم، ۱۴۰۷ ق.

عاملی، زین العابدین بن علی (شهید ثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم، موسسه

المعارف اسلامی، ۱۴۱۳ ق، چاپ اول

عتیبی، احسان بن عایش، احکام التعدد فی ضوء الكتاب و السنه، بی جا، ۱۴۱۸ ق، چاپ اول

غامدی، فاطمه، نساء یطلبن زواج المسیار، بی جا، بی تا

فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام عن قواعد الاحکام، قم، موسسه النشر الاسلامی

فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر للامام الفخرالرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی

تا.

فراهیدی، الخلیل ابن احمد، العین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق

فیومی، احمد، المصباح المنیر، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۹۲۸ م.

قرافی، شهاب الدین، الذخیره، بیروت، دارالغرب، ۱۹۹۴ م

قرشی، سید علی اکبر؛ قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش، چاپ ششم.

قوشچی، ملا علی، محاضرات فی الالهیات، بی جا، بی تا

کرکی (محقق ثانی)، علی ابن الحسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، موسسه آل البيت(ع)،

۱۴۰۸ ق

کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، فروع کافی (ط-الاسلامیه)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷

ق، چاپ چهارم